

روزگار

روزگار



مریم فضائلی

خبرنگار گروه فرهنگ

«رای شما می‌تواند بی‌نگاهی را محکوم یا گناهکاری را تبرئه کند.» این جمله جزء توضیحات تئاتر بود و توسط یکی از بازیگران همان ابتدای نمایش گفته شد. قبل از آن با تاریخ شدن سالن، زمانی که همه منتظر بودند تا از پشت صحنه تماشاگران به روی سن بیایند، در دل تاریکی نوری از در ورودی سالن فضا را روشن کرد و چند بازیگر از دل مخاطبان به روی صحنه آمدند. مهدی پاکدل، وحید رهبانی و مینو شریفی به روی سن آمدند و روی سکویی نشستند. از همان ابتدا تماشاگران دیگر تنها بیننده نبودند، بلکه در قامت هیات منصفهٔ قرار گرفته و رای شان اهمیت

ابراهیم امینی را به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس در **آثاری مثل «مرد بازنده»، «لازاری» و فیلم‌های دیگری می‌شناسیم. علاوه‌بر این، در تئاتر هم مشغول به کار بوده‌اید و در سال نود به پنج نمایش با عنوان «آی‌دا» داشته‌اید. حالا دوباره با **تور** به تئاتر برگشته‌اید.**
علاقه به تئاتر به زمان دانشجویی برمی‌گردد. من ورودی سال ۱۳۷۹ دانشگاه آزاد در رشته تئاتر بودم. بعداً در سال ۱۳۸۳ در دانشگاه تربیت مدرس دانشجوی کارشناسی ارشد شدم. تحصیلات و کارم سال‌ها تئاتر بوده، ولی بیشتر تئاترها دانشجویی بود و فضای خیلی حرفه‌ای نداشت. به همین دلیل شاید فعالیت‌های من در تئاتر خیلی ثبت نشده باشد. بیشتر من راز دوره فیلم «روزهای زمستان» بعد از سال نود به بعد می‌شناسند که همکاری‌ام با محمدحسین مهدویان را شروع کردم. به تدریج فعالیت‌های تئاتری‌ام کمتر شد و فاصله افتاد. آخرین کارهایم همین «آی‌دا» یا متن «پدرو پارامو» بود که من نوشته بودم و ارشاد رازانی کارگردانی‌اش را انجام داد. چند سالی فاصله افتاد و طی دو سه سال اخیر دوباره فرصت مهیا شد که به تئاتر فکر کنم.

برای باگشت دوباره به تئاتر، چرا «تور» را انتخاب کردید؟

اجرای تئاتر «تور» به این دلیل بود که من این را پروژه بزرگی برای خودم می‌دیدم. دو سه سال پیش برای تبدیل آن به یک سریال تعاملی و استودیویی برای شبکه نمایش خانگی فکر می‌کردم. از عمد از کلمه تله‌تئاتر استفاده نمی‌کنم چون نمی‌خواهم تله‌تئاترهای قدیمی که دوربین یک سمت ایستاده بود، به ذهن متبادر شود. یک سریال تعاملی استودیویی با چنددوربین که مانند یک فیلم سینمایی می‌تواند تدوین شود. چنین ایده‌ای داشتم و دوست داشتم با پلنفرم‌های نمایش خانگی کار کنم. با دو پایان مختلف بسازیم و متناسب با رای مردم پایان هفته بعدی آپلود شود. تور به عنوان قصه اول ما باشد و در ادامه ۷ یا ۸ قصه دیگر دادگاهی هم اقتباس و جمع‌آوری کنیم. اما دو سه سال پیش این پروژه در گف‌ت‌وگویی که با پلنفرم‌ها داشتیم به نتیجه نرسید. من خودم هم درگیر کارهای دیگر شدم. اما این سوژه را فراموش نکردم. برخی از متون با گذشت زمان برای ما نویسنده‌ها کهنه خوانند شد، به همین دلیل آنها را کنار می‌گذاریم، اما این متن برایم کهنه نشد و جذابیتر را از دست نداد، به همین دلیل به این فکر افتادم که تا زمانی که تبدیل به سریال شود زمان می‌برد، فعلا یک تئاتر از آن اجرا کنیم. این فرصتی ایجاد کرد هم برای سنجنش مخاطب و هم احتمالاً مذاکره‌های جدید با جاهای دیگر که نشان دهیم قبلاً این مدل امتحان شده است.

به نظرم الان اگر وارد مذاکره شوید، نتایج متفاوتی خواهد داشت، چون نمونه‌های خارجی این نوع اجراها بیشتر شده. مثل سریال «بلک میر» که مخاطبان نقش داشتند.

نمایش «تور» به کارگردانی ابراهیم امینی که این روزها در حال اجراست مخاطبانش را وارد چالش قضاوت می‌کند

همه مصائب یک تصمیم

افراد مربوط به پرونده می‌خواهد که به پشت جایگاه بیایند، آنها از دل تماشاگران به روی سن می‌روند. حتی زمانی که دادستان یا وکیل متهم می‌خواهد صحبت کند، روی شان به سمت تماشاگران است. بازی با نور اینجابه تئاتر کمک زیادی کرده. زمانی که هرکدام از وکلای دین تماشاگران قدم می‌زنند و دفاعیه‌های خودشان را می‌خوانند، نور آنها را در مرکز توجه قرار می‌دهد. برگزاری تئاتر مشارکتی، نکته قوتی بود که در این تئاتر به خوبی نشان داده شد. در توضیحاتی که خلیبانان از وقوع این اتفاق می‌دهند، برخی اصطلاحات برای مخاطب آناشناست. از همان ابتدا، قاضی هرکدام از افراد را ملزم می‌کند تا عبارات را به زبان ساده توضیح دهند تا باعث نشود مخاطب خسته شود.

داستان تئاتر، از همان ابتدا برای ما مخاطبان ایرانی، می‌تواند برداشتی

شما در نوشتن نمایشنامه، چقدر به متن اصلی وفادار بوده‌اید؟

نمایش ما مبتنی بر متن اصلی است اما کاری که انجام دادم، دراماتوزی مجدد و بومی‌سازی برای ایران بود. برخی بخش‌ها کوتاه شدند تا زمان اجرا کمتر شود. اگر متن کامل را اجرا می‌کردیم زمان اجرا بسیار طولانی‌تر می‌شد. بخش‌های زیادی حذف شده و جاهایی هم جایه‌ها شده‌اند. یعنی ما با نمایشی طرف هستیم که مدت زمان آن با رای‌گیری ۹۰ دقیقه است؛ ۷۵ دقیقه اجرا و ۱۵ دقیقه رای‌گیری. اگر ما متن اصلی را می‌خواستیم به اجرا بگذاریم، حدود دو ساعت یا بیشتر زمان می‌برد. به جز مزج کردن، کمی جایه جایی در اجرا افزایش مشارکت و اضافه کردن کمی دیالوگ تغییر دیگری ندادیم.

انتخاب بازیگران چگونه بوده است؟

تمام بازیگران نمایش انتخاب‌های اول من بودند که شکر خدا تمام‌شان برای نمایش محقق شده‌اند. برخی قبلاً با ما همکاری کرده بودند. مثلاً علی محمد حسام‌فرا سال‌ها می‌شناسم و با او همکاری داشته‌ام. علی باقری در فیلم «بلند من» که چندماه پیش روی آن کار کرده‌ام بازی کرده بود. با مهدی پاکدل در «ماجرای نیمروز» همکاری داشته‌ام، و همچنین با مینو شریفی در «درخت گردو» و پیش از این نمایش قرار بود با الهام نامی در پروژه سریالی که به نتیجه نرسید همکاری داشته باشم. وحید رهبانی تنها کسی بود که قبلاً با ما کار نکرده بود ولی دوستان مشترکی داشتیم، در فضای مجازی با هم در ارتباط بودیم و از تجربه‌های قبلی او خبر داشتم.

تئاتر تور **تالان در ۳۰ اجراشور شده است. برای به نمایش درآوردن در ایران، چگونه از تجربه‌های آن اجراها استفاده کردید؟**

واقعیت این است که ما ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با تئاتر روز جهان نداریم. نمی‌توانم بگویم همه اجراها را دیده‌ام، اما سابقه پژوهشی دارم و کار سینمایی‌ای که کرده‌ام به اینجا منجر شد. از این نظر تجربه‌های جهانی را جست‌وجو و بررسی کردم. برخی از اجراها را دیده‌ام و برخی را مطالعه کرده‌ام. بعضی از نسخه‌های تلویزیونی را مخصوصاً در آلمان ساخته‌اند. این تجربه‌ها خیلی کمک کرده است. بیشتر تأثیر روی ناخودآگاهم داشته‌اند تا تأثیر مستقیم.

در تئاتر تور مخاطب در جایگاه هیات منصفه قرار می‌گیرد و حواسش باید تا آخر تئاتر به آن باشد تا بتواند رای عادلانه بدهد. درباره این مدل مشارکتی -تعاملی با مخاطب و طراحی آن بگویید و اینکه از کجا این ایده آمده است؟

بخشی از این شیوه مشارکتی از متن می‌آید که پایان‌بندی متناسب با رای مخاطب انتخاب می‌شود. این نوع از پایان‌بندی که براساس رای هست در تمام نسخه‌ها وجود داشت. ما این را در نمایش خودمان توسعه داده‌ایم و از لحظه ورود بازیگران به صحنه مخاطب می‌تواند تصمیم بگیرد. اما این کار، از همان ابتدا قراردادی با مخاطب در طول نمایش می‌بود و او را مشارکت می‌دهم که رای دادن، برایشان شوکارآور نباشد. خود من هم به‌عنوان یک مخاطب همیشه از تئاترهای مشارکتی لذت می‌برم. در واقع از تئاترهایی خوشم می‌آید که تجربه‌ای که ما در سالن تئاتر از سر می‌گذاریم سخت‌تر به دست می‌آید. تلاش کردم تا این تجربه و لذت را که قبل‌تر به‌عنوان مخاطب چشیده بودم برای مخاطبان مان ایجاد کنم.

نمایشنامه تور **نوشته فردیناند فون شیراخ سال ۲۰۱۵ منتشر شده و سوم اکتبر همان سال در نمایش براساس این متن روی صحنه می‌رود و خیلی از آن استقبال می‌شود.**

سینمایی خودش برای ارتقای این نمایش بهره برده است.

➤ **صورت‌بندی یک مساله پیچیده حقوقی**

نمایش ترور در دل یک جلسه دادگاه، عملاً در حال صورت‌بندی یک مساله پیچیده حقوقی/اخلاقی است؛ مساله‌ای که در پی یافتن ارزش «جان انسان» و مقیاس دادن به آن است؛ با سوالاتی که در ذهنشینی با مثال‌ها و موقعیت‌های انسانی مختلف، ذهن تماشاگر را عمیقاً درگیر پیچیدگی‌های فلسفه اخلاق می‌کند. تماشاگر ترور حتی اگر علاقه نداشته باشد مجبور است فکر کند و درنهایت تصمیم بگیرد؛ تصمیم درباره سرنوشت متهمی که خودش و کیشش باور دارند یک قهرمان ملی است و دادستان میان او و تروریست‌ها هیچ تفاوتی قائل نیست.

➤ **اکسیر باورپذیری**

رمز موفقیت ترور را باید در باورپذیری نمایش جست‌وجو کرد. گذشته از طراحی صحنه فکرسده‌ای که شرحش رفت، بازیگران ترور ضروری درخشان در این نمایش دارند. مهدی پاکدل با بدن وزورید و صدای استوارش نقش یک خلیبان چیره‌دست را با تسلطی چشمگیری ایفا می‌کند. مینو شریفی از پس ایفای نقش

و دادستان به خوبی یک مشرب فکری و یک ذائقه فلسفی را نمایندگی می‌کند وحید رهبانی، وکیل قدرتمندی است که کفه ترازوی نمایش را با اجرای قدرتمندش به نفع موکل خود سنگین می‌کند. از قاضی نمایش هم نباید گذشت که با یک صورت سنگی و بدون احساس، خونسردی قاضی چنین پرونده‌ای را خوب از کار درآورد. تور از معدود نمایش‌هایی است که سخت می‌شود در نقش آفرینی بازیگرانش نقطه‌ضعفی پیدا کرد.

➤ **یک نمایش کلیشه‌شکن**

زندگی در بسیاری از موقعیت‌ها ما را مجبور به قضاوت می‌کند و نمایش ترور با پیش‌کشیدن یک موقعیت سخت و تأمل‌برانگیز، به جای تنزه‌طلبی و گریز از قضاوت، تماشاگر خود را به فهم فلسفه کنش‌های انسانی، تلاش برای درک لایه‌های پشماریک رفتار به ظاهر ساده، دقت در شواهد و درنهایت رای دادن و قضاوت‌کردن دعوت می‌کند. خلق این بینش در دل یک نمایش جذاب و کاملاً سرگرم‌کننده، هنر بزرگی است که فردیناند فون‌شیراخ، نمایشنامه‌نویس آلمانی در آن به توفیق رسیده و ابراهیم امینی آن را به شکلی ما‌هزانه پیش چشم تماشاگرانی می‌آورد که احتمالاً بعد از تماشای تور، به شکلی متفاوت از کلیشه‌های دنیای روشنفکری، جهان را تفسیر خواهند کرد.

قاضی را هم ببینند تا هنگام تماشای نمایش هیچ چیز را از دست ندهند. او به‌مثابه کارگردانی چیره‌دست از اتاق فرمان همه چیز را به خوبی کنترل کرده و دقیقاً تصاویری را به تماشاگر نشان می‌دهد که به آن نیاز دارد. امینی با کارگردانی ترور نشان می‌دهد آی‌نده درخشانی در هنر نمایش ایران دارد. بازی‌های نمایش همگی یک‌دست و خوب از کار درآمده‌اند؛ وحید رهبانی مثل همیشه درخشان است. مهدی پاکدل بعد از مدت‌ها موفق می‌شود از پرسونای پسر مظلوم فاصله بگیرد و نقش یک مرد را به خوبی بازی کند. اما این نمایش دو غافلگیری خیلی خوب هم دارد؛ یکی الهام نامی که نقش زنی دادگدیده را با ظرافتی کم‌نظیر بازی می‌کند و دیگری علی‌محمد حسام‌فر که در نقش قاضی خونسرد و بی‌احساس به خوبی دادگاه را اداره می‌کند. تنها بازی ضعیف نمایش متعلق به مینو شریفی است که نه اقتدار یک دادستان را دارد نه می‌تواند به‌اندازه سایر بازیگران نمایش مواضع شخصیت را باورپذیر جلوه دهد. البته بدشانسی شریفی است که رقیب او وحید رهبانی است که روی صحنه یکه تازی می‌کند. سال‌ها پیش ارزنت بوگکانین درباره اسپنسر ترسی گفته بود: «اسپنسر ترسی اولین بازیگری بود که می‌توانست زمین را نگاه کند و صحنه را تحت تسلط خودش بگیرد. یک صحنه با باربت رایان را همین‌طور بازی کرد. زمین را نگاه می‌کرد و بعد در مناسب‌ترین لحظه رایان را نگاه کرد. باورکنید رایان اگر بالانس می‌زد صحنه ما آقای ترسی بود.» در تقابل رهبانی و شریفی، رهبانی همان اسپنسر ترسی ما‌جراست و شریفی رابرت رایانی که پیشاپیش شکست خورده است.

۱۲

